

اوپک و سازمان جهانی تجارت: تقابل یا تعامل؟ درس‌هایی برای مجمع کشورهای صادرکننده گاز

امیر هوشنگ فتحی زاده

استادیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
amirfathizadeh@gmail.com

علی فاتح

دانشجوی دکتری تجارت بین‌الملل
ali.fateh@live.com

تداخل این دو سازمان با استناد به مقررات سازمان جهانی تجارت اشاره شده است. در این راستا نیز برخی اصول حاکم بر سازمان جهانی تجارت از قبیل محدودیت‌های مقصداری و حفاظت از محیط‌زیست و منابع تجدیدناپذیر با ارجاع به برخی از دعاوی مطروحه در نظام حل و فصل اختلافات سازمان مورد بررسی قرار گرفته است. قابل ذکر است پیگیری موضوعات مربوط به این کالاها در محاکم داخلی کشورها یا توسل به محاکم بین‌المللی تاکنون فاقد اثر بوده است. در این باره، رویه رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت تاکنون پاسخ صریح یا غیرمستقیمی به ادعاهای وارده علیه اقدامات اوپک ارائه نکرده است. از این‌رو احتمال می‌رود در آینده‌ای نزدیک این موضوع به‌طور اساسی و چالشی در سازمان جهانی تجارت مطرح و نهایتاً منجر به ایجاد موافقتنامه جدیدی برای پرداختن به آن بشود.

اوپک / سازمان جهانی تجارت / محدودیت‌های مقصداری / رکن حل و فصل اختلاف / نفت و گاز.

چکیده

امروزه نفت و گاز به عنوان دو کالای اساسی و مهم در تجارت بین‌الملل مطرح می‌باشند. از آنجا که دو سازمان اصلی در تجارت این دو کالای راهبردی نقش آفرینی می‌نمایند، تعامل و یا تقابل این دو سازمان در روند این تجارت تأثیرگذار خواهد بود. سازمان کشورهای صادرکننده نفت و سازمان جهانی تجارت که هرکدام دارای سازوکارهای قانونی و حقوقی مجزی می‌باشند در این راستا نقش آفرینی می‌نمایند. اخیراً نیز مجمع کشورهای صادرکننده گاز نیز به جمع این دو سازمان پیوسته است. در مقاله حاضر ضمن بررسی وضعیت این دو سازمان به نقاط تلاقی و

خاص حاکم بر این کالاها باعث شده تا مباحث زیادی در خصوص آنها در سطح سازمان جهانی تجارت مطرح نباشد. اگرچه تعرفه این محصولات بسیار پایین و در حد صفر می‌باشد ولی مالیات آنها در کشورهای توسعه یافته بسیار بالا بوده و سود سرشاری را متوجه آن کشورها می‌نماید.

همانگونه که در ادامه خواهیم دید اوپیک نخستین مجمع بین‌المللی است که عمده تولیدکنندگان نفت را در زیر یک سقف گرد هم آورده است. در زمان تأسیس سازمان کشورهای صادرکننده نفت در ۱۹۶۰ میلادی، هیچکدام از پنج کشور مؤسس این سازمان، عضو گات نبودند. نکته قابل توجه این است که نیروی محرک موجود در پشت گات، کشورهایی بودند که تمایل به دسترسی به بازار برای کالاهای مازاد خود داشتند؛ این در حالی بود که هیچ یک از طرفین متعاقد گات، در زمینه نفت دچار مازاد تولید نبودند. لذا به این دلیل بود که مذاکره‌کنندگان اصلی گات نیازی به گنجاندن چنین محصولی در دستور کار خود احساس نمی‌کردند [۶]. اوپیک در حال حاضر به همراه پنج عضو بنیانگذار فوق‌الذکر دارای هفت عضو دیگر نیز می‌باشد که عبارتند از: قطر، لیبی، امارات متحده عربی، الجزایر، نیجریه، اکوادور و آنگولا. در حال حاضر، نه عضو اوپیک یعنی آنگولا، اکوادور، اندونزی [۷]، کویت، نیجریه، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ونزوئلا، به تدریج به عضویت سازمان جهانی تجارت در آمده‌اند.

دور دوحه جدیدترین دور مذاکراتی در چارچوب سازمان جهانی تجارت می‌باشد که قرار بود در سال ۲۰۰۵ به نتیجه برسد ولی اولین ضرب‌الاجل آن تمدید شد و پس از آن نیز به حالت تعلیق درآمد. در سال ۲۰۰۷ مجدداً مذاکرات از سر گرفته شد و کماکان به نتیجه‌ای دست نیافته است. لیکن شایان ذکر است که این دور مذاکراتی در قطر که هم عضو سازمان جهانی تجارت و اوپیک است کلید خورد. رویه‌های این سازمان بین‌المللی که در سطور آتی به آن پرداخته خواهد شد در تنظیم بازار نفت به خودی خود باعث بروز تعارضاتی با مقررات تجارت کالایی در چارچوب نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت شده است.

به جرأت می‌توان گفت، نفت و گاز از نقش محوری در پیشبرد اقتصاد جهانی برخوردار هستند. این دو کالا طبق آمار سال ۲۰۱۳، حدود ۵۵ درصد کل مصرف جهانی انرژی را تشکیل می‌دهند [۱]. علیرغم نوسانات قیمتی نفت، رشد طولانی مدت اقتصادهای نوظهور از قبیل چین و هند، تقاضای روزافزون نفت برای حمل و نقل، تولید برق، محصولات پتروشیمی و سایر مصارف صنعتی از جمله عوامل تعیین‌کننده در اهمیت بخشی به این کالا به شمار می‌آیند. از سوی دیگر، نقش گاز طبیعی در تجارت جهانی نیز در حال افزایش است. نکته‌ای که از اهمیت بسزایی در این زمینه برخوردار است این است که در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) - به عنوان نخستین سند حقوقی بین‌المللی ناظر بر تجارت کالایی - اثری از تصریح به این دو کالا و بالاخص نفت یافت نمی‌شود. سازمان جهانی تجارت [۲] - جایگزین گات - به عنوان یک سازمان تجاری عضو محور و چندجانبه نیز در هیچ یک از موافقت‌نامه‌هایش ذکری از واژه نفت یا گاز به میان نیاورده است [۳]. دلیل این موضوع می‌تواند این باشد که بیشتر تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت در فرآیند مذاکرات موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) [۴] حضور نداشتند، البته امریکا که یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت بود در مذاکرات حضور داشت. اگرچه برخی از کشورهای دارای منابع نسبتاً غنی نفت، مانند نروژ و انگلستان از بنیانگذاران گات بوده، ولی منابع و ذخایر نفتی آنها سالها بعد کشف شد. همان گونه که در گزارش سال ۲۰۰۰ کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) بیان شده است: "اهمیت راهبردی تجارت نفت در اقتصاد جهانی در گذشته به اندازه‌ای بوده است که به آن به صورت یک مورد خاص، نه در قالب چارچوب چندجانبه مقررات تجاری گات، بلکه در چارچوبی از نظر سیاسی گسترده‌تر می‌نگریستند" [۵]. البته ذکر این نکته ضروری است که اساساً نفت و گاز به عنوان کالا تحت مقررات سازمان جهانی تجارت و سلف آن گات قابل مذاکره بوده است. به عبارت دقیق‌تر نفت و گاز هم تحت پوشش گات و هم تحت پوشش سازمان جهانی تجارت می‌باشند. شرایط

علاوه بر اوپک، با توجه به گسترش فزاینده استفاده از گاز طبیعی در دنیا و اهمیت راهبردی آن در اقتصاد جهانی، مجمع کشورهای صادرکننده گاز، از سال ۲۰۰۸ میلادی رسماً شروع به کار کرده است که فعالیت آن در آینده و البته در پرتو پیشینه برخورد اوپک با نظام تجاری چند جانبه قطعاً مورد سنجش مقررات سازمان جهانی تجارت قرار خواهد گرفت [۸].

۱. سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)

در خلال نیمه نخست قرن بیستم، ایالات متحده آمریکا - جایی که نخستین بار نفت کشف شد و اولین چاه‌های نفت در اواخر قرن نوزدهم حفر شدند - تولیدکننده اصلی نفت به حساب می‌آمد. پس از جنگ جهانی دوم که در آن ایالات متحده دو سوم نفت مورد نیاز را برای متحدین خود فراهم می‌ساخت سلطه‌اش به عنوان تولیدکننده نفت به دلیل این که کشورهای تولیدکننده نفت در راستای تجدید ملی‌گرایی نسبت به منابع خود ادعای حق کردند رو به افول گذاشت [۹]. در نتیجه، در سپتامبر ۱۹۶۰، نمایندگان پنج کشور تولیدکننده عمده نفت یعنی: ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی و ونزوئلا [۱۰] طی نشست‌های در بغداد، سازمان کشورهای تولیدکننده نفت (اوپک) را بنیان نهادند [۱۱]. رویداد ویژه‌ای که باعث ایجاد اوپک شد مربوط به زمانی است که شرکت نفت اگزان قیمت هر بشکه نفت را ۱۴ سنت کاهش داد که احتمالاً مشهورترین کاهش قیمت نفت در طول تاریخ تولید نفت بوده است. هدف اولیه اوپک حمایت از قدرت چانه زنی جمعی کشورهای تولیدکننده نفت در برابر حمایت‌گرایی و اقدامات هماهنگ شرکت‌های بزرگ نفتی جهان بود. اقدامات اوپک در نخستین سال‌های پس از تأسیس نتایج قابل توجهی در پی نداشت که بیشتر به دلیل این بود که بر اساس قرارداد، منابع نفتی کشورهای عضو سازمان به استثنای ایران، متعلق به شرکت‌های نفتی بود و اینکه وجود مازاد نفت در بازار هم مشکل دیگری بود. اما به هر حال در پایان دهه ۱۹۶۰، وضعیت ناگهانی تغییر کرد چراکه رفع تصرف شرکت‌های نفتی خارجی از طریق فرآیند ملی‌شدن صورت گرفت. تا دهه ۷۰ میلادی، امتیازات در ایران و عراق ملغی شده بودند. در پایان همان دهه، حتی مابقی

امتیازات عمده در کویت، عربستان سعودی و ونزوئلا خاتمه یافتند. کشورهای نفتی شروع به تعیین قیمت فروش نفت کردند که این موضوع باعث تغییر عمده‌ای در انتقال قدرت از شرکت‌های نفتی به کشورهای صادرکننده نفت شد [۱۲].

در سال ۱۹۷۴، کویت ۶۰ درصد سهام شرکت نفت کویت را که در سال ۱۹۳۴ توسط شرکت بریتیش پترولیوم و خلیج فارس ایجاد شده بود، در اختیار داشت. در سال بعد، کویت باقی ۴۰ درصد سهام شرکت را به دست آورد و در نتیجه هیچ نوع ارتباطی با بنیانگذارانش باقی نماند. مورد مشابهی نیز در مورد شرکت آرامکو که یک شرکت نفتی عربی-آمریکایی شامل اگزان، شورون، موبیل و تگزاکو بود رخ داد. در چنین شرایطی اوپک بالاخره توانست تا بازار جهانی نفت را کنترل کند و مانورهای تثبیت قیمتی از جانب آنها همواره بر اساس نیازهای سیاسی بود که منجر به تشهایی در بازار نفت در دهه ۱۹۷۰ شد.

یکی از این تشه‌های نفتی که همان تحریم نفتی کشورهای عربی بود به دلیل خصومت بین اعراب و رژیم اشغالگر اسرائیل و در خلال جنگ شش روزه به وجود آمد. برای اولین بار، کشورهای صادرکننده نفت تصمیم گرفتند تا از نفت به عنوان یک سلاح واقعی استفاده کنند. آنها قیمت اعلام شده نفت را تا ۷۰ درصد یعنی پنج دلار و یازده سنت در هر بشکه افزایش دادند. علاوه بر این، آنها در زمینه اعمال تحریم بدین صورت توافق کردند که در ماه اول تولید را پنج درصد کاهش داده و سپس این کاهش را در ماه‌های بعد نیز ادامه دهند. اما در مورد ایالات متحده به دلیل حمایت این کشور از رژیم اشغالگر اسرائیل، تحریم همه‌جانبه نفتی اعمال شد. تنش دیگر نیز در سال ۱۳۵۷ شمسی به دلیل انقلاب اسلامی در ایران روی داد. ایران تولید نفت را متوقف کرده بود و کمبود نفت - که بلافاصله با افزایش تولید سایر اعضای اوپک جبران شده بود - به خاطر این امر که ایران دومین تولیدکننده عمده نفت دنیا بود تشدید شد. عواملی که در ابتدا جلوی نیروی انفجاری اوپک را گرفته بودند در حال از بین رفتن بودند: تقاضا بیشتر از عرضه شده بود و شرکت‌های نفتی به تدریج در حال تسلیم شدن و عقب نشینی بودند. اما در ابتدای دهه ۱۹۸۰ تولید کشورهای غیر اوپک از اوپک پیشی گرفت. در

سال ۱۹۸۶ قیمت نفت پایین بود و کشورهای عضو اوپک می‌بایست کنترل بازار را از طریق افزایش سهم شان مجدداً به دست می‌گرفتند که این هدف از طریق نظام سهمیه‌بندی تولید که باعث افزایش مجدد قیمت نفت به صورتی که امروزه شاهد آن هستیم حاصل شد. کنترل قیمت یعنی بالا و پایین بردن آن طبق نیازها و منافع اعضای اوپک در هر حال مسأله جدیدی در بخش نفت قلمداد نمی‌شود چراکه راهبرد دقیقاً مشابهی در کمتر از یک قرن قبل توسط بزرگترین و قدرتمندترین شرکت نفت قرن بیستم یعنی استاندارد اوپل را کفلر مورد استفاده قرار گرفته بود. هرگاه که منابع جدید نفتی کشف می‌شدند و شرکت‌های جدید سهمی از بازار را به دست می‌آوردند، استاندارد اوپل که نمی‌توانست سهام آنها را بخرد، قیمت را برای حذف رقابت کاهش می‌داد و بعداً وقتی که تقاضا بالا می‌رفت قیمت‌ها را دوباره افزایش می‌داد.

۲. سازمان جهانی تجارت

سازمان جهانی تجارت به عنوان مهمترین تحول تاریخ تجارت بین‌الملل پس از یک دوره طولانی مذاکرات در سال ۱۹۹۵ رسماً فعالیتش را آغاز نمود. این سازمان بین‌المللی سه هدف عمده را دنبال می‌کند که عبارتند از کمک به جریان تجارت، آزادسازی تدریجی تجارت بیشتر از طریق مذاکرات و ایجاد یک نهاد حل و فصل اختلافات بین‌المللی. سازمان جهانی تجارت در واقع ادامه موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) است با این تفاوت که از سلف خود جامع‌تر و قاعده‌مندتر است. سازمان جهانی تجارت حوزه گسترده‌ای از مقررات متنوع تجاری از قبیل تجارت کالا، تجارت خدمات و جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری را شامل می‌شود. این سازمان دارای وظایفی از جمله اجرا و مدیریت موافقت نامه‌های سازمان جهانی تجارت و ضوابط آن؛ فراهم نمودن مجمعی برای مذاکره بین اعضا در خصوص مسائل مرتبط با موافقت نامه‌های تحت پوشش؛ پیش‌بینی ساز و کار حل و فصل اختلافات و مدیریت شیوه‌های بررسی سیاست تجاری اعضا می‌باشد [۱۳].

۳. اوپک و سازمان جهانی تجارت

۳-۱. تمایزات بین این دو سازمان

اوپک و سازمان جهانی تجارت به‌طور کلی دو سازمان کاملاً متفاوت به نظر می‌رسند. نخست این که آنها به لحاظ فلسفه وجودی با هم تفاوت دارند. تشکیل سازمان جهانی تجارت ملهم از این باور است که تجارت آزاد تنها شیوه مناسب برای بهبود رفاه عمومی جهانی است؛ چراکه به ناگزیر منافع متقابل خالصی را برای همه کشورها فراهم می‌سازد [۱۴]. از سوی دیگر، اوپک بر نفت تمرکز دارد تا به این نتیجه برسد که تجارت آزاد منجر به رقابت بی‌ثمر بین تولیدکنندگان می‌شود، در حالی که کنترل دولت‌ها تنها گزینه مناسب و سودبخش به حساب می‌آید. به علاوه، این سازمان اعضای خود را قادر می‌سازد تا به موضع قدرت در عرصه جهانی به ویژه در معادلات سیاسی و راهبردی دست پیدا کنند.

۳-۲. تفاوت در اهداف بنیادین

در نتیجه شاهد هستیم که اهداف این دو سازمان به شدت در تضاد با یکدیگر هستند. هدف سازمان جهانی تجارت به صراحت در مقدمه موافقتنامه تأسیس سازمان به این شرح بیان شده است: "... افزایش استانداردهای زندگی، تضمین اشتغال کامل، رشد گسترده و مستمر میزان درآمد واقعی و تقاضای مؤثر، و گسترش تولید و تجارت کالا و خدمات ضمن تجویز بهره برداری مناسب از منابع جهان طبق اهداف توسعه پایدار...". هدف دنبال شده توسط اوپک بر اساس ماده دو اساسنامه آن با هدف فوق‌الذکر به شرح ذیل مغایرت دارد: "هماهنگی و یکسان‌سازی سیاست‌های نفتی کشورهای عضو و تعیین بهترین شیوه حفاظت از منافع فردی و جمعی آنها" از طریق "تضمین ثبات قیمت‌ها در بازارهای بین‌المللی نفت..." [۱۵].

۳-۳. تفاوت در سازوکار نیل به اهداف

نیازی به بیان این مطلب نیست که ابزاری که بر اساس آن سازمان جهانی تجارت و اوپک در صدد دستیابی به اهداف موردنظر خود هستند هم به شدت با یکدیگر تفاوت دارند. سازمان

این وضعیت موجب عدم قطعیت و بی‌ثباتی در بازار انرژی می‌شود و مانع رقابت کامل و منصفانه برای منابع جایگزین خواهد شد. علاوه بر این، این مسئله به نظر با اصول سازمان جهانی تجارت که همواره به شکل محدودی با موضوع سهمیه‌ها برخورد کرده است مغایرت دارد.

۵. ارزیابی سهمیه‌بندی اوپک طبق مقررات سازمان جهانی تجارت

گزارش لوتنبرگ نخستین سندی است که تحلیل حقوقی دلایلی را که بر اساس آن سهمیه‌های تولید اوپک مغایر مقررات سازمان جهانی تجارت محسوب می‌شوند را ارائه نمود. در اینجا ما تصمیم داریم تا با استفاده از این گزارش، به این موضوع بپردازیم که آیا کشوری که درصدد به چالش کشیدن این اقدامات در سازمان جهانی تجارت است امکان برنده شدن خواهد داشت یا خیر. گزارش مذکور به طور ویژه میزان هماهنگی سهمیه‌های تولید اوپک را با ماده ۱۱ گات [۱۶] در خصوص سهمیه‌های مقداری و احتمال توجیه آن بر اساس بند ۲ ماده ۱۱ و بند (ز) ماده ۲۰ گات را بررسی می‌کند. دقیقاً همین مواد مشابه در بطن گزارش اخیر رکن استیناف سازمان جهانی تجارت در دعوی اقدامات مرتبط با صادرات مواد خام گوناگون [۱۷] بحث شده‌اند. دعوی اخیر با اعمال برخی محدودیت‌های صادراتی توسط دولت چین بر صادرات مواد خام سر و کار دارد و در این بین تمرکز ما بر سهمیه‌های صادراتی است. این مسئله به این دلیل جالب توجه است که تفسیر ارائه شده توسط هیأت رسیدگی به اختلاف و رکن استیناف در این پرونده به عنوان معیار قلمداد می‌شود و نقطه شروع بررسی و مطالعه ما در زمینه اوپک است.

۶. حذف کلی محدودیت‌های مقداری: بند اول ماده ۱۱ گات

سهمیه‌ها بیانگر شیوه‌های متعدد و ممکن برای محدود کردن بازار و ایجاد موانعی در جریان تجارت است. به طور مشخص، سهمیه‌ها می‌توانند تحت عنوان موانع غیرتعرفه‌ای در مقایسه با سایر روش‌های اصلی محدودیت یعنی تعرفه، به عنوان اقدامات

جهانی تجارت سعی دارد تا از طریق تعیین یکسری قواعد که موانع تجاری را کاهش داده یا از بین می‌برد نهایتاً به آزادسازی تجاری دست یابد. از سوی دیگر، اوپک هدف خود را تثبیت قیمت نفت در بازار جهانی متمرکز کرده است و همان طور که بعداً خواهیم دید این موضوع را از طریق محدودسازی تولید نفت هر زمان که قیمت‌ها به زیر یک حد معین می‌رسند، به فعلیت رسانده است.

به تدریج، برخی از اعضای اوپک به عضویت سازمان جهانی تجارت درآمده‌اند که بالطبع باعث ایجاد مسائلی شده است. کشوری که هم عضو اوپک است و هم عضو سازمان جهانی تجارت باید قواعد مستقل و مجزای تعیین شده توسط هر دو سازمان را رعایت کند. رویه فوق‌الذکر - سهمیه تولید نفت - نمی‌تواند به طور کامل با چارچوب سازمان جهانی تجارت منطبق باشد که این امر می‌تواند فرصتی را برای به چالش کشیدن این اقدامات فراهم سازد.

۴. سهمیه‌بندی تولید نفت در اوپک: سرآغاز تقابل

کاملاً به نظر می‌رسد که اوپک برای کنترل و تعیین قیمت جهانی نفت از اختیار و آزادی برخوردار است که این کار را بدون مزاحمت یعنی از طریق شکستن قیمت‌ها یا تحمیل سهمیه‌ها بر اساس نیاز مشخص اعضای خود به مدت نیم قرن انجام داده است. دغدغه‌های زیست محیطی و وضعیت اضطراری اقلیمی که حداقل در دهه گذشته جهان را تحت تأثیر قرار داده است بیانگر چالش جدیدی برای اوپک است. این آزادی عمل، به طور ضمنی به این موضوع اشاره دارد که ما نمی‌توانیم شیوه‌ای را که اوپک نسبت به رژیم فعلی اقلیمی و تقاضای روزافزون جامعه بین‌المللی اتخاذ خواهد کرد، پیش‌بینی کنیم؛ به عنوان مثال آیا اوپک با افزایش سهمیه تولید نفت باعث کاهش قیمت نفت شده و در نتیجه موجب افزایش بیشتر تقاضای نفت در سطح جهان شده است و یا این که با کاهش سهمیه‌های تولیدی به منظور بهره‌مندی کامل از مانده تقاضای نفت، افزایش تقاضای نفت به جایی خواهد رسید که جایگزینی هم برای آن یافت نگردد.

غیرمالیاتی اتخاذ شده در روابط تجاری بین‌المللی در راستای محدودسازی کالاهای وارداتی یا صادراتی، دسته‌بندی شوند [۱۸]. پیشتر بیان کردیم که سهمیه‌ها، برخلاف تعرفه‌ها، در نظام سازمان جهانی تجارت به موجب بند یک ماده ۱۱ گات تحت عنوان حذف کلی محدودیت‌های مقداری ممنوع هستند:

"هیچ ممنوعیت یا محدودیتی بجز تعرفه‌ها، مالیات یا سایر عوارض، خواه از طریق سهمیه‌ها، مجوزهای واردات یا صادرات یا سایر اقدامات، نباید توسط طرفین متعاقد در زمینه واردات کالا از قلمرو طرف متعاقد دیگر یا صادرات یا فروش کالا به مقصد قلمرو طرف متعاقد دیگر، اجرا یا حفظ شوند".

بر اساس گزارش لوتنبرگ، سهمیه‌ها و محدودیت تولید اوپک، ناقض این ماده هستند. بدون شک، چنین اقداماتی "محدودیت صادراتی" هستند؛ چرا که آنها به طور خاص برای کنترل عرضه نفت در بازارهای جهانی صورت گرفته‌اند و آثار عملی بر کاهش میزان نفت در دسترس در این بازارها داشته‌اند [۱۹]. اما به هر حال، حتی اگر سهمیه‌های تولیدی را بتوان محدودیت صادراتی به حساب آورد، هیأت رسیدگی به اختلاف یا رکن استیناف سازمان جهانی تجارت می‌تواند ادعای مبتنی بر نقض بند اول ماده ۱۱ گات را رد کند. از آنجایی که این ماده به طور مشخص به اقدامات "اتخاذ شده یا حفظ شده ... بر واردات ... یا صادرات ..." اشاره دارد و در صورتی که ما تفسیر مضیق ماده مذکور را بپذیریم، سهمیه‌های تولید نفت اوپک از نظر فنی نمی‌تواند "سهمیه صادراتی" قلمداد گردد. در نتیجه، اعمال این نوع سهمیه‌بندی مغایرتی با این ماده ندارد [۲۰]. رویه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت نشان دهنده این موضوع است که یک رویکرد عمومی ارکان این سازمان است که تفسیر نسبتاً موسعی از این ماده ارائه کنند [۲۱]. در پرونده موادخام چین، هیأت رسیدگی مشخص کرد که اصطلاح "محدودیت" شامل همه آن اقداماتی است که عدم قطعیت ایجاد می‌کنند و بر طرح‌های سرمایه‌گذاری تأثیرگذار هستند، دسترسی به بازار را برای کالاهای وارداتی محدود می‌کنند یا واردات را بسیار پرهزینه می‌کنند و در پایان هم نتیجه‌گیری کرد که این اصطلاح نیازمند

تفسیری نسبتاً موسع است [۲۲]. حتی در سایر موارد، هیأت رسیدگی بر آثار اقدامات تمرکز کرد و به این نتیجه رسید که اینکه آیا صادرات به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق محدودیت تولید محدود شده است، مسئله‌ای غیرمرتبط است [۲۳]. هیأت رسیدگی بار دیگر حتی بیان داشت که ضوابط مندرج در بند یک ماده ۱۱ گات به محدودیت‌های دوفاکتو نیز تعمیم می‌یابد [۲۴]. این رویکرد به‌طور کامل در راستای تفسیری است که عموماً از اصول اولیه سازمان جهانی تجارت ارائه می‌شود. ماده ۱۱ به همراه مواد ۱، ۲ و ۳ شامل یکی از اصول اساسی گات و سازمان جهانی تجارت است که باید به طور موسع تفسیر شود تا حداکثر اقدامات را در بر گیرد [۲۵].

۷. اقدامات اساسی و موقت برای پیشگیری از کمبود جدی: بند دوم ماده ۱۱ گات

تا آنجایی که به دعوی موادخام چین مرتبط است، چین وجود سهمیه را در صادرات خود انکار نکرد، بلکه بیشتر به طرز ناموفقی سعی بر متقاعد ساختن هیأت رسیدگی به اختلاف داشت که اقداماتش به شکلی بر اساس شق الف بند دوم ماده ۱۱ قابل توجیه بودند. این ماده قابلیت اعمال بند نخست ماده ۱۱ را نسبت به آن دسته از ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌ها که "به طور موقت به منظور پیشگیری یا حفظ کمبود اساسی مواد غذایی یا سایر محصولات ضروری برای دولت متعاقد صادرکننده اعمال می‌شوند" را مستثنی می‌سازد. در تحلیل این ماده دو عنصر بنیادی یعنی: ماهیت ضروری و موقتی اقدام باید مورد توجه قرار گیرند. هیأت رسیدگی به اختلاف بر این واقعیت تأکید کرد که ضروری بودن اقدام باید در ارتباط با ویژگی‌های مشخص کشور مربوطه ارزیابی شود [۲۶]. دوم این که، اقدام باید موقتی باشد؛ به این معنا که چنین استثنائی نمی‌تواند برای توجیه اقدامات درازمدت با هدف لحاظ کردن از بین رفتن گریزناپذیر یک منبع محدود، مورد استفاده قرار گیرد [۲۷]. در نهایت، چین باید این موضوع را به اثبات می‌رساند که اقدام اتخاذ شده با "کمبود جدی" ارتباط داشته است. هیأت رسیدگی پس از این که چین نتوانست دو شرط مذکور یعنی ضروری و موقت بودن را ثابت

کند، دفاع این کشور را در قالب شق الف بند دوم ماده ۱۱ رد کرد و رکن استیناف هم این نظر را تأیید کرد [۲۸].

سه‌میه‌بندی اوپک نیز عیناً با چنین مشکلی مواجه است. اگرچه ماهیت ضروری اقدامات اتخاذ شده توسط کشورهای صادرکننده نفت قابل تأیید است، ولی در مورد دو شرط دیگر یعنی سه‌میه‌ها که در ابتدا هدف از آنها یک اقدام اضطراری و بالطبع موقتی بود این موضوع صدق نمی‌کند. به علاوه، اوپک باید وجود کمبود جدی و نیز ارتباط مستقیم بین اقدام و نیاز به پیشگیری از چنین کمبودی را اثبات کند که این امر با در نظر داشتن این موضوع که کشورهای عضو اوپک هدف واقعی خود را که همانا کنترل قیمت نفت است پنهان نکرده‌اند مشکل است.

۸. حفاظت از منابع طبیعی تجدیدناپذیر: بند (ز) ماده ۲۰ گات

اعضای سازمان جهانی تجارت می‌توانند در مواردی مشخص از اصول اولیه و بنیادی خود در چارچوب موافقتنامه گات بر اساس ماده ۲۰ عدول کنند. بند (ز) به طور ویژه‌ای با بحث ما ارتباط دارد:

"هیچ موردی در این موافقتنامه نباید به گونه‌ای تفسیر شود که مانع تصویب یا اجرای تدابیر توسط هر یک از طرفین متعاقد شود، مشروط بر این که این تدابیر به صورت ابزار تبعیض خودسرانه یا غیرموجه بین کشورهایی که دارای همان شرایط هستند، اعمال نشود یا محدودیتی پنهان بر تجارت بین‌المللی ایجاد نکند." (ز) تدابیر مربوط به حفاظت از منابع طبیعی تجدیدناپذیر، در صورتی که این چنین تدابیری به همراه محدودیت‌هایی بر تولید یا مصرف ملی اعمال شده باشد."

شکی نیست که نفت یک منبع طبیعی است. در واقع، از یکسو رکن استیناف در پرونده میگو [۲۹] ضمن رد کردن ادعاهای کشورهای خواهان مبنی بر این که مفهوم منابع طبیعی تجدیدپذیر طبق بند (ز) ماده ۲۰ تنها در مورد منابع محدود از قبیل مواد معدنی صدق می‌کند تا منابع بیولوژیک یا تجدیدپذیر،

بیان کرد که بند (ز) ماده ۲۰ محدود به منابع طبیعی معدنی یا غیرجاندار نیست. منابع جاندار نیز همانند نفت، سنگ آهن و سایر منابع غیرجاندار نیستند [۳۰].

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا این اقدامات با حفاظت از منابع طبیعی تجدیدپذیر مرتبط هستند. در این زمینه همان طور که بیان شد، برای این که یک اقدام "مرتبط" قلمداد شود باید مبین یک "ارتباط ماهوی" با حفاظت از منابع طبیعی تجدیدپذیر باشد. در دعوای موادخام، چین سعی کرد تا اقداماتش را به استناد به رسمیت شناختن حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود توجیه کند. شناسایی چنین حق حاکمیتی بیانگر یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل عمومی است [۳۱]. کشورهای عضو اوپک می‌توانند از ادعای مشابهی برای توجیه سه‌میه‌های تولید خود استفاده کنند. اوپک همواره در مورد دلیل اصلی اقدامات خود از جمله نیاز به کنترل قیمت جهانی نفت و محدودیت عرضه آن که به طور مستقیم به دلیل سقوط قیمت جهانی نفت است، بسیار شفاف بوده‌اند، درحالی که ذکری از حفاظت از منابع طبیعی هرگز به میان نیامده است.

اما به هرحال، اوپک ادعا می‌کند که جهان به شدت به نفت وابسته است و از این رو ثبات بازار - که اوپک درصدد رسیدن به آن از طریق فعالیت‌هایش است - برای تضمین در دسترس بودن و حفظ منابع نفت، به صورت مطلق ضروری است [۳۲]. اگر درست باشد که هیأت رسیدگی می‌توانست چنین ادعایی را مدنظر قرار دهد، نباید فراموش کرد که ماده ۲۰ دارای استثنائاتی است و سازمان جهانی تجارت همواره یک رویکرد به شدت مبتنی بر متن در تفسیر این استثنائات را در پیش گرفته است. این شیوه را هیأت رسیدگی در دعوای موادخام اتخاذ کرد که ادعای چین را به این دلیل که چین نتوانسته است ارتباط بین اقداماتش و حفاظت از منابع طبیعی تجدیدناپذیر و همچنین این واقعیت که سه‌میه‌ها "به همراه محدودیت‌هایی بر تولید یا مصرف ملی اعمال شده‌اند" اثبات کند. در پایان هیأت رسیدگی کننده در دعوایی که بر سر خاک‌های کمیاب بین چین و آمریکا و اتحادیه اروپا در گرفته بود رای بر محکومیت چین صادر

کرد. با این استدلال که حتی اگر چین به دلیل اینکه محصولات مورد بحث از منابع تجدیدناپذیر میباشند ولی چون در جدول تعهداتش در زمان الحاق نسبت به وضع عوارض صادراتی ذکر نکرده لذا نمیتواند نسبت به صادرات آنها عوارض صادراتی به دلیل حفاظت از منابع تجدید ناپذیر وضع نماید.

۹. طرح دعوا علیه اوپک

از منظر تاریخی، همان گونه که در بخش‌های قبلی ملاحظه شد، کشورهای عضو اوپک به دو شیوه اصلی بر قیمت نفت تأثیرگذار بودند: قیمت‌گذاری مستقیم (سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۸۶) و اعمال محدودیت بر عرضه نفت که از سال ۱۹۸۶ اجرا می‌شود [۳۳]. به هر حال، می‌توان گفت که اوپک با کنترل میزان تولید، قیمت جهانی نفت را کنترل کرده است [۳۴]. هرگاه که قیمت نفت به زیر حد تعیین شده توسط اوپک می‌رسد، عرضه آن از طریق اعمال سهمیه‌بندی تولید، محدود می‌شود. حال باید دید که این رویه اوپک چه بازتابی در سطح محاکم داخلی یا بین‌المللی داشته است.

۹-۱. بررسی دعاوی اقامه شده علیه اوپک در دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا

بحران جهانی انرژی و افزایش ناگهانی قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ به طور کلی با شیوه قیمت‌گذاری اعضای اوپک ارتباط دارد [۳۵]. تعجب برانگیز نیست که مؤسسات آمریکایی علیه این گونه شیوه قیمت‌گذاری اوپک به دلیل خسارات وارده به کارگران و مصرف‌کنندگان بر اساس قانون ضدتراست ایالات متحده آمریکا طرح دعوا کنند [۳۶]. دو پرونده به طور ویژه شایان توجه می‌باشند که به ترتیب ذیل به بررسی آنها پرداخته می‌شود. اما پیش از آن، مختصری در زمینه آنتی‌تراست ارائه می‌گردد.

حقوق رقابت در چارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت
قوانین ضدرقابت که به ممنوعیت رقابت غیر منصفانه در حقوق تجارت بین‌الملل می‌پردازد به نسبت مقررات ضدقیمت‌شکنی از اهمیت کمتری برخوردار است. از منظر تاریخی، اصطلاح آنتی‌تراست عنوانی است که ایالات متحده آن

را بسط داده است و در واقع به هر نوع قانون که هدف اصلی و غایی آن حفظ رقابت بین تولیدکننده یا سایر موجودیت‌های بازرگانی و تجاری یا منع یا از بین بردن انحصارات و رویه‌های محدودکننده تجاری یا بازرگانی است اطلاق می‌گردد [۳۷].

ذکر این نکته هم شایان توجه است، کنار گذاشتن مقررات آنتی‌تراست یا حقوق رقابت از حوزه حقوق سازمان جهانی تجارت شاید به این دلیل باشد که قوانین و سیاست‌های رقابتی اعضا را نتوان به سادگی یکسان‌سازی و هماهنگ نمود [۳۸]. در هر حال سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق رقابت و مسائل مرتبط به آن ساکت ننشسته است و در سال ۱۹۹۶ یک گروه کاری تعدادی از موضوعات مرتبط با سیاست‌های رقابتی و تجارت را مورد بررسی و مطالعه قرار داد اگرچه تا کنون به نتیجه‌ای عملی نرسیده است و حتی این بحث از دستور کار دور دوحه نیز کنار گذاشته شد [۳۹].

پرونده اول: (انجمن بین‌المللی مکانیک‌ها و کارگران صنعت هوافضا علیه اوپک [۴۰]) [۴۱]

این یک پرونده ضدتراست خصوصی است که در سال ۱۹۷۸ در دادگاه حوزه مرکزی ایالت کالیفرنیا ثبت گردید. در این پرونده شاکی (کارگران صنعت هوافضا) مدعی بود که سیاست سهمیه تولید و قیمت‌گذاری اوپک باعث ورود ضرر و زیان به اعضای آن شده است. به عقیده شاکی، شیوه عمل اوپک مغایر بخش نخست قانون شرم [۴۲] است. بنابراین، خواستار صدور قرار غیرقانونی بودن و پرداخت خسارت شد. دادگاه به نفع خوانده - اوپک - رأی داد؛ بر این مبنا که "ملل خارجی"، "اشخاص" نیستند؛ همان طور که قانون شرم الزامی دانسته است و از این رو نباید تحت پیگرد قرار گیرند. دادگاه همچنین، ضمن تأیید مجدد اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود که واجد هیچ ماهیت تجاری نیست، تأکید کرد که چنین مللی معمولاً بر اساس قانون مصونیت حاکمیت خارجی دارای مصونیت هستند [۴۳]. علاوه بر این، به نظر دادگاه شاکی نتوانست یک ارتباط واضح و ماهوی بین قیمت‌گذاری اعمال شده توسط اعضای اوپک و افزایش قیمت جهانی نفت را اثبات کند. در مرحله استیناف، شعبه نهم

مسموع نبودن دعوا را به دلایلی متفاوت تأیید کرد. عدم استماع دعوا مبتنی بر قانون دکترین دولت بود که به موجب آن "دادگاه‌های ایالات متحده در مورد اختلافاتی که از منظر سیاسی حساس هستند و مستلزم قضاوت دادگاه در مورد قانونی بودن اقدام حاکمیتی یک کشور خارجی است، رسیدگی نخواهد کرد".

پرونده دوم: موسسه پرایت علیه اوپک [۴۴]

در سال ۲۰۰۱، مالک یک پمپ بنزین به نمایندگی از مؤسسات خصوصی ایالات متحده آمریکا که محصولات نفتی در بازار آمریکا را از سال ۱۹۹۹ خریداری می‌کردند، دعوایی طرح کرد که مبنای آن بازهم اعمال سهمیه‌بندی تولید و شیوه قیمت‌گذاری نفت توسط اوپک بود که ناقض بخش‌های اول و دوم قانون شرم‌ن بود. در این پرونده، شاکی تقاضای ضرر و زیان نکرد و فقط خواستار صدور حکم دادگاه در خصوص ممنوعیت فعالیت‌های فوق‌الذکر اوپک بود. در مرحله رسیدگی استینافی، شعبه نهم تأیید کرد که دادگاه نسبت به اوپک فاقد صلاحیت است.

۲-۹. امکان سنجی پیگیری حقوقی اقدامات اوپک نزد رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت

با توجه به مجموع شرایط، تردیدهای فراوانی در زمینه فراهم بودن این امکان برای ایالات متحده در خصوص درخواست از سایر کشورها برای تبعیت از قوانین آن کشور وجود دارد؛ چراکه اتخاذ چنین رویکردی در تعارض با اصل حاکمیت دولت‌ها، به عنوان یکی از ستون‌های حقوق بین‌الملل عمومی و روابط بین‌المللی، است. وقتی صحبت از یک سازمان بین‌المللی است وضعیت متفاوت است. همان طور که پیشتر بیان شد، اعضای اوپک یکی پس از دیگری در حال الحاق به سازمان جهانی تجارت هستند و بالطبع تحت شمول اصول و قواعد آن هم قرار می‌گیرند [۴۵]. از این رو، این امر کاملاً پذیرفته شده است که سازمان جهانی تجارت از اعضای خود بخواهد تا موافقت نامه‌های این سازمان را رعایت کنند. رکن حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت تاکنون با تدابیر حمایتی از سوخت‌های فسیلی - به ویژه نفت - سر و کار نداشته است.

نخستین تلاش‌های بین‌المللی در خصوص به چالش کشیدن کارتل اوپک بار دیگر در ایالات متحده رخ داد. نخستین اقدام توسط پیتر دی. فازیو - عضو مجلس نمایندگان ایالات متحده - در ۱۳ مارس ۲۰۰۰ با پیشنهاد قطعنامه‌ای صورت گرفت که طی آن رئیس جمهور وقت، جرج دبلیو. بوش ترغیب شده بود تا نزد رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت علیه کشورهای صادرکننده نفت به دلیل نقض مقررات ناظر بر ممنوعیت اعمال محدودیت‌های مقداری بر واردات و صادرات منابع یا کالاها شکایتی طرح کند [۴۶]. علاوه بر این، وی خواستار تصویب لایحه‌ای بود که به موجب آن نمایندگی تجاری ایالات متحده را ملزم کند تا علیه تمامی اعضای اوپک که عضو سازمان جهانی تجارت هم هستند، نزد رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، دعوای تجاری طرح کند [۴۷]. این تلاش بسیار ناموفق بود، ولی اعتبار این موضوع که برای نخستین بار پیشنهاد اتخاذ اقداماتی علیه اوپک در سازمان جهانی تجارت را مطرح کرد، به این عضو نماینده مجلس ایالات متحده تعلق دارد. تلاش‌های وی در سال ۲۰۰۴ توسط سناتور فرانک ار. لوتنبرگ با انتشار گزارشی با عنوان "متلاشی کردن کارتل: دعوای سازمان جهانی تجارت علیه اوپک" دنبال شد [۴۸]. این گزارش نشان‌دهنده نخستین سندی است که در آن دلایل حقوقی طرح دعوا علیه اوپک نزد سازمان جهانی تجارت ارائه شده است. البته درست است که این گزارش فقط با آن دسته از اعضای اوپک که عضو سازمان جهانی تجارت هستند سر و کار دارد؛ چراکه این دسته از اعضا ملزم به رعایت مقررات این سازمان هستند. این گزارش همان طور که در بخش‌های بعدی مورد تجزیه و تحلیل بیشتر قرار خواهد گرفت، پیشنهاد می‌کند که چگونه اقدامات اوپک از جمله اعمال سهمیه‌بندی به منظور قیمت‌گذاری که ناقض تعهدات سازمان جهانی تجارت است و این که چگونه هیچ یک از استثنائات مندرج در موافقتنامه قابل اعمال نسبت به این مورد خاص نیست [۴۹]. بعدها، علاوه بر این گزارش، سناتور لوتنبرگ قانون مسئولیت‌پذیری اوپک [۵۰] را در سال ۲۰۰۸ پیشنهاد کرد که با لایحه پیشنهادی دی. فازیو [۵۱] اهداف مشابهی داشت که البته این قانون هم هرگز به مرحله تصویب نرسید. در سال ۲۰۱۱، دی

گینه استوایی، ایران، لیبی، نیجریه، قطر، روسیه، ترینیداد و توباگو و ونزوئلا به عنوان اعضای مؤسس، اساسنامه و موافقت‌نامه این مجمع را امضا نمودند. کشورهای قزاقستان و نروژ نیز به عنوان اعضای ناظر پذیرفته شدند [۵۸] و شهر دوحه به عنوان مقر دائمی دبیرخانه مجمع انتخاب گردید [۵۹].

۱۲. مأموریت و اهداف مجمع

اهداف تعیین شده برای این مجمع را می‌توان در تبادل اطلاعات، تجربیات، دیدگاه‌ها و مشارکت و همکاری در موارد ذیل خلاصه نمود:

- روندهای کشف و تولید گاز در سطح دنیا.
- توازن کنونی و پیش‌بینی شده عرضه و تقاضای گاز.
- فناوری‌های کشف، تولید و انتقال گاز در سطح جهانی.
- ساختار و توسعه بازارهای منطقه‌ای و جهانی گاز.
- انتقال گاز/ف خطوط لوله و حمل گاز طبیعی مایع.
- ارتباط متقابل محصولات گازی و نفتی زغال سنگ و سایر منابع انرژی.
- فناوری‌ها و رویکردها نسبت به مدیریت پایدار محیط‌زیست، با توجه به محدودیت‌های زیست‌محیطی، مقررات ملی و داخلی و موافقت‌نامه‌های چندجانبه در زمینه محیط‌زیست و تأثیر آنها بر میزان و پایداری مصرف گاز.
- شیوه‌ها و رویکردها در راستای به حداکثر رسانی مشارکت منابع گاز طبیعی در کلیه سطوح چرخه ارزش‌گذاری و ترویج اقتصادهای پایدار و توسعه منابع انسانی در کشورهای عضو [۶۰].

۱۳. قیمت‌گذاری گاز

رویه معمول قیمت‌گذاری گاز طبیعی مایع مبتنی بر شاخص‌های قیمت نفت خام یا گاز طبیعی است اگرچه تعیین شاخص خود مستلزم انجام مذاکره بوده و طبعاً به بازار مقصد گاز طبیعی مایع بستگی دارد. بنابراین مبنای محاسبه قیمت‌گذاری گاز طبیعی مایع متفاوت است. اگر گاز طبیعی مایع در بازاری براساس

فازیو دوباره تلاش‌های خود را با ارسال نامه‌ای به باراک اوباما در خصوص "طرح دعوا در سازمان جهانی تجارت علیه اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت به دلیل دستکاری در عرضه و قیمت نفت به ضرر مصرف‌کننده آمریکایی و احیای اقتصادی ما" از سر گرفت [۵۲].

۱۰. مجمع کشورهای صادرکننده گاز [۵۳]

گاز طبیعی به عنوان عمده‌ترین منبع انرژی در دنیا حدود ۱۵/۱ درصد کل مصرف انرژی را در بر می‌گیرد [۵۴]. این محصول برای اینکه قابلیت انتقال سهل‌تری داشته باشد طی فرآیندی به گاز طبیعی مایع تبدیل می‌شود [۵۵]. هم‌اکنون عمده‌ترین صادرکنندگان گاز طبیعی عبارتند از روسیه، قطر و نروژ و اصلی‌ترین واردکنندگان ژاپن، آلمان و ایتالیا [۵۶]. پیشینه تجارت گاز طبیعی برای نخستین بار به قرارداد صادرات گاز طبیعی الجزایر به انگلستان در دهه شصت میلادی بر می‌گردد. در دهه ۷۰ میلادی اندونزی شروع به صادرات گاز طبیعی به ژاپن و کره جنوبی نمود. از این زمان به بعد بود که تجارت گاز طبیعی رفته رفته جای خود را در بازار جهانی تجارت انرژی پیدا نمود [۵۷].

۱۱. پیدایش مجمع

ایده اولیه تأسیس سازمانی در راستای تأمین منافع کشورهای صادرکننده گاز تقریباً همانند اوپک، در اجلاس وزرا به میزبانی تهران در سال ۲۰۰۱ به پیشنهاد ایران کلید خورد. در وهله نخست، تأمین منافع مشترک تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گاز طبیعی، پژوهش و تبادل نظرات، ترویج یک بازار با ثبات و شفاف انرژی از جمله اهداف مد نظر بود. بحث همکاری‌های مشترک بین کشورهای صادرکننده گاز همواره از مبانی بنیادین بیانیه‌های پایانی اجلاس وزرا بوده است.

مجمع کشورهای صادرکننده گاز به عنوان یک سازمان بین‌المللی به رسمیت شناخته شده سرانجام در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۸ آغاز به فعالیت کرد. این مساله در طی اجلاس وزیران در مسکو رخ داد. کشورهای الجزایر، امارات متحده عربی، بولیوی، مصر،

قیمت شاخص گاز طبیعی مبادله شود (مثلاً جاییکه بازار گاز طبیعی مایع به دلیل تولید داخلی گاز طبیعی یا واردات از طریق لوله وجود دارد) فرمول قیمت گذاری گاز طبیعی مایع وارداتی همواره به شاخص قابل اعمال قیمت گاز طبیعی متکی است. در بازارهایی که هیچ نوع شاخص قیمت گاز طبیعی مایع یا عرضه رقابتی گاز طبیعی وجود ندارد، قیمت گاز طبیعی مایع وارداتی به چنین بازاری معمولاً بر اساس قیمت سایر منابع انرژی رقابتی از قبیل نفت خام شاخص گذاری می شود [۶۱].

۱۴. قیمت گذاری گاز طبیعی در چارچوب مجمع

فعالیت رسمی این نهاد بین المللی با توجه به جدید التأسیس بودن آن اگرچه تاکنون به طور عملی منجر به نتیجه نشده است به طور کلی همانگونه که خواهیم دید در صدد سبک و سنگین کردن بازار گاز طبیعی و نهایتاً دستیابی به قیمت گذاری این محصول در سطح جهانی است. آنچه که از اهمیت برخوردار است در مقایسه با اوپک، در مجمع فعلاً اثری از سهمیه بندی تولید یا صادرات گاز طبیعی نیست بلکه هدف اصلی همکاری و مشارکت بین صادرکنندگان با هدف متمرکز و منسجم نمودن بازار گاز طبیعی است. با این حال بررسی روند طرح بحث قیمت گذاری گاز جالب توجه است.

مسأله قیمت گذاری گاز طبیعی و بررسی سازو کارهای مرتبط و مؤثر بر چرخه عرضه و تقاضا به طور مکرر از سومین اجلاس وزیران در سال ۲۰۰۳ در صدر دستور کار قرار گرفته است. این امر نشان دهنده اهمیت موضوع قیمت گذاری گاز طبیعی به شیوه ای در راستای تضمین منافع کشورهای صادرکننده گاز است.

پس از به وجود آمدن رسمی مجمع کشورهای صادرکننده گاز، در سال ۲۰۱۰ طی اجلاس وزیران که در الجزایر برگزار شد، وزرا از جمله توافق نمودند که تضمین ذخایر کافی و مطمئن گاز به قیمتی برابر با قیمت نفت یک چالش است. این مساله را باید با لحاظ این موضوع که گاز طبیعی بخش اساسی سوخت ترکیبی است و نقش مهمی در تأمین نیازهای جهانی یک منبع انرژی دوستدار طبیعت بازی می کند، مدنظر قرار داد [۶۲]. بحث تشکیل

یک کمیته راهبری به منظور ارزیابی بازار گاز و پیامدهای مدل جهانی گاز در اجلاس وزیران در سال ۲۰۱۱ مورد تصویب قرار گرفت [۶۳]. قیمت گذاری منصفانه گاز طبیعی بر اساس الزامات بازار همسان با قیمت نفت مجدداً در مجمع مورد تأیید قرار گرفت [۶۴].

بر اساس اساسنامه این مجمع، بررسی توازن عرضه و تقاضا گاز طبیعی از جمله اهداف اصلی این مجمع به رسمیت شناخته شده است که به طور تلویحی به بحث قیمت گذاری آن منجر می شود [۶۵]. در این ارتباط، در بند هفتم بیانیه پایانی سومین اجلاس سران کشورهای عضو مجمع دولت های صادرکننده گاز که در آذرماه ۱۳۹۴ در تهران برگزار گردید، بحث سازوکار قیمت گذاری منصفانه گاز طبیعی در راستای تأمین منافع کشورهای صادرکننده از اهمیت ویژه ای برخوردار است [۶۶]. از مباحث بالا چنین به نظر می رسد تنظیم بازار گاز از طریق تأثیر گذاری بر قیمت آن هدف اصلی چنین مجمعی است

جمع بندی و ملاحظات

نفت عمده ترین کالای اولیه در تجارت بین المللی به لحاظ حجم و ارزش به شمار می آید. برای تمامی کشورها چه تولیدکننده، چه صادرکننده و چه مصرف کننده و واردکننده، ثبات سیاسی و حیات اقتصادی تا حد زیادی به در دسترس بودن و فراهم بودن نفت در بازارهای جهانی بستگی دارد. تا زمانی که به طور مشخص تجارت نفت در چارچوب نظام تجاری چندجانبه قاعده مند نشود امکان مقابله با اقدامات یکجانبه اوپک در زمینه سهمیه بندی تولید نفت و تأثیر گذاری آن بر قیمت جهانی نفت عملاً غیر ممکن است.

از سوی دیگر دیدیم که پیگیری موضوع در محاکم داخلی کشورها یا توسل به محاکم بین المللی تاکنون فاقد اثر بوده است. در این باره، رویه رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت تا کنون پاسخ صریح یا غیر مستقیمی به ادعاهای وارده علیه اقدامات اوپک ارائه نکرده است. علاوه بر این، امروزه به طور خاص با توجه به کاهش روزانه قیمت نفت که از نتایج زد و بندهای سیاسی برخی از اعضای این سازمان مانند عربستان

4. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)
5. UNCTAD, Trade Agreements, Petroleum and Energy Policies (Executive Summary) (Geneva: UN Publisher, 2000) p. 1.
6. Gabrielle Marceau, 'The WTO in the Emerging Energy Governance Debate', 5(3) Global Trade and Customs Journal (2010), p. 83 and UNCTAD, Trade Agreements, Petroleum and Energy Policies (Executive Summary) (Geneva: UN Publisher, 2000) p. 2.
۷. اندونزی عضویت خود را در اوپک از ژانویه ۲۰۰۹ به حالت تعلیق درآورده است.
۸. به این مجمع با اندکی تسامح، اوپک گازی نیز اطلاق می‌گردد.
۹. در واقع، شرکت‌های عمده نفتی، آمریکایی، انگلیسی و هلندی بودند ولی در آنسوی آنها فعالیت می‌کردند. هویت مشترکی بین کشورهایی که این شرکتها به آنها تعلق دارند و کشورهایی که در آنجا نفت کشف و تولید شد وجود ندارد.
۱۰. برای مطالعه بیشتر در زمینه اوپک نگاه کنید به: Daniel Yergin, The Prize. The Epic Quest for Oil, Money & Power (New York: Free Press, 1991); Daniel Yergin, The Quest. Energy Security and the Remaking of the Modern World (New York: The Penguin Press, 2011); Gavin Brown (ed.), Opec and TheWorld Energy Market: A Comprehensive Reference Guide, 2nd ed. (Essex: Longman, 1993); Albert L. Danielsen, The Evolution of OPEC (New York: Harcourt Brace Jovanovich, 1982); A.L.P. Burdett (ed.), OPEC: Origins & Strategy, 1947–1973 (Slough: Archive Editions, 2004); Ragaie El Mallakh (ed.), OPEC: Twenty Years and Beyond (Boulder: Westview Press, 1982); Ian Seymour, OPEC: Instrument of Change (New York: St. Martin's Press, 1981); Dankwart A. Rustow and John F. Mugno, OPEC: Success and Prospects (New York: New York University Press, 1976).
۱۱. مقر دائمی اوپک در شهر وین قرار دارد.
12. Daniel Yergin, The Quest. Energy Security and the Remaking of the Modern World (New York: The Penguin Press, 2011) pp. 555–662.

سعودی ناشی شده است، از اهمیت اوپک حداقل در زمان حاضر کاسته است لیکن نفت اهمیت خود را در بازارهای جهانی حفظ کرده است.

همانگونه که قبلاً توضیح داده شد، در آینده با توجه به اهمیت تجارت گاز و نیز تأسیس مجمع کشورهای صادرکننده گاز باید منتظر تعارضات منافع صادرکنندگان و واردکنندگان این کالا باشیم. شاید نهایتاً هم به گنجاندن موافقت‌نامه‌ای در خصوص انرژی - اعم از فسیلی و غیر فسیلی - تحت لوای سازمان جهانی تجارت برسیم که این امر شاید حداقل تا دهه‌های آینده امری دور از دسترس باشد.

بررسی این مقاله نشان می‌دهد که ضوابط و ساز و کارهای اوپک تحت رژیم حقوقی سازمان جهانی تجارت قابل دفاع بوده و عضویت در سازمان جهانی تجارت مستلزم بازنگری کلی در سیاست‌های صادراتی نفت و گاز نمی‌باشد.

نظر به اینکه در مذاکرات الحاق به سازمان در ضمن درخواست‌های مذاکراتی تقاضاهایی مبنی بر حذف قیمت‌گذاری دوگانه انرژی از کشورهای در حال الحاق مانند عربستان و روسیه مطرح گردیده و این کشورها نیز تاحدودی مجبور به تعدیل قیمت‌ها و کاهش تفاوت با قیمت جهانی شده اند، لذا مناسب است که ایران نیز خود را برای برخی تعدیلات این چنینی آماده نماید. اگرچه که قانون هدفمندی یارانه‌ها تا حدود زیادی در جهت حذف قیمت‌گذاری دوگانه حرکت میکند و امکان اعمال این نوع تعدیلات را فراهم کرده است. در هر صورت ضروری است در حین الحاق در راستای حفظ مزیت‌های نسبی و تولیدی خود حرکت نماییم.

پی‌نوشت

1. 2015 Key World Energy Statistics, International Energy Agency Publication, p. 28.
2. World Trade Organization (WTO)
3. Yulia Selivanova, Energy Dual Pricing in WTO Law: Analysis and Prospect in the Context of Russia's Accession to the WTO (London: Cameron May, 2008) pp. 3–4.

- the WTO', 38 George Washington International Law Review (2006) p. 416.
۲۱. علاوه بر این، گزارش سالانه تجارت منتشر شده توسط سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۱۰، بیان می‌دارد که از نظر اقتصادی، سهمیه تولیدی در کشورهایی که عمدتاً به صادرات کالاهای مورد بحث می‌پردازند، تأثیرات مشابه سهمیه‌های صادراتی ایجاد می‌کنند و از این رو باید به همین صورت با آنها برخورد شود.
22. WTO Panel Report, China – Raw Materials, para 7.206. See WTO Panel Report, Colombia – Indicative Prices and Restrictions on Ports of Entry (Colombia – Ports of Entry), WT/DS366/R, adopted 27 April 2009, para 7.240; WTO Panel Report, India – Quantitative Restrictions on Imports of Agricultural, Textile and Industrial Products (India – Quantitative Restrictions), WT/DS90/R, adopted 6 April 1999, para 5.128.
23. Tim Carey, 'Cartel Price Controls vs. Free Trade: A Study of Proposals to Challenge OPEC's Influence in the Oil Market Through WTO Dispute Settlement', 24(4) American University International Law Review, p. 785 (2009), pp. 800–801; Panel Report, Japan – Trade in Semi-Conductors, BISD 35S/116, adopted 4 May 1988 para. 114–117.
24. WTO Panel Report, Argentina – Measures Affecting the Export of Bovine Hides and the Import of Finished Leather (Argentina – Hides and Leather), WT/DS155/R, adopted 19 December 2000, para 11.17.
25. WTO Appellate Body Report, Japan – Taxes on Alcoholic Beverages (Japan – Alcoholic Beverages), WT/DS11/AB/R, adopted 4 October 1996; Robert J. Girouard, 'Water Export Restrictions: A Case Study of WTO Dispute Settlement Strategies and Outcomes' 15 Georgetown International Environmental Law Review 247 (2003) p. 257 and Mitsu Matsushita et al., The World Trade Organization: Law, Practice and Policy (3rd Edition, Oxford University Press, 2015) pp. 243–244.
26. WTO Panel Report, China—Measure Related to the Exportation of Various Raw Materials
۱۳. برای مطالعه جامع در خصوص پیشینه موافقت نامه گات و سازمان جهانی تجارت نگاه کنید به Mitsu Matsushita et al., The World Trade Organization: Law, Practice and Policy (3rd Edition, Oxford University Press, 2015) pp. 1–27.
14. Alan O. Sykes, 'Comparative Advantage and the Normative Economics of International Trade Policy', Journal of International Economic Law (1998) p. 57.
۱۵. اساسنامه اوپک در تارنمای زیر قابل دسترسی است: http://www.opec.org/opec_web/static_files_project/media/downloads/publications/OPEC_Statute.pdf
16. Mitsu Matsushita et al., The World Trade Organization: Law, Practice and Policy (3rd Edition, Oxford University Press, 2015) pp. 239–242.
17. WTO Panel Report, China – Measure Related to the Exportation of Various Raw Materials (China – Raw Materials), WT/DS394/R, WT/DS395/R and WT/DS398/R, adopted 5 July 2011; and WTO Appellate Body Report, China – Measure Related to the Exportation of Various Raw Materials (China – Raw Materials), WT/DS394/AB/R, WT/DS395/AB/R and WT/DS398/AB/R, adopted 30 January 2012.
18. John H. Jackson, William J. Davey and Alan O. Sykes, Legal Problems of International Economic Relations, 5th ed. (Thomson West, 2008) p. 339 and Andreas F. Lowenfeld, International Economic Law (Oxford University Press, 2003) pp. 68–93.
19. Stephen A. Broome, 'Conflicting Obligations for Oil Exporting Nations?: Satisfying Membership Requirements of Both OPEC and the WTO', 38 George Washington International Law Review (2006) p. 414; Melaku Gebeye Desta, 'The Organization of Petroleum Exporting Countries, the World Trade Organization and Regional Trade Agreements', 37(3) Journal of World Trade 523 (2003) p. 534.
20. Stephen A. Broome, 'Conflicting Obligations for Oil Exporting Nations?: Satisfying Membership Requirements of Both OPEC and

- Against OPEC', 12 Case Western Reserve Journal of International Law (1980) p. 215.
35. Mark R. Joelson and Joseph P. Griffin, 'The Legal Status of Nation-State Cartels Under United States Antitrust and Public International Law', 9 International Law (1975) p. 617; Farin Mirvahabi, 'Claims to the Oil Resources in the Persian Gulf: Will the World Economy be Controlled by the Gulf in the Future?', 11 Texas International Law Journal (1976) p. 75; Stephen A. Broome, 'Conflicting Obligations for Oil Exporting Nations?: Satisfying Membership Requirements of Both OPEC and the WTO', 38 George Washington International Law Review (2006) p. 410; A. Ajomo, 'An Appraisal of the Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC)', 13 Texas International Law Journal (1977); Gail Marie King, 'Comment, Cartel Pricing in the International Energy Market: OPEC in Perspective', 54 Oregon Law Review (1975) p. 643.
36. The Foreign Proceedings (Excess of Jurisdiction) Act 1984 (Cth).
37. John Mo International Commercial Law, (4th Edition, LexisNexis, 2009), p. 714.
38. https://www.wto.org/english/tratop_e/comp_e/comp_e.htm
39. International Ass'n of Machinist and Aerospace workers ('IAM') v OPEC_, 477, F. Supp. 553 (C.D. Cal. 1979).
۴۰. بخش اول قانون شرمین اشعار می‌دارد: "هر قرارداد، ترکیبی از انواع تراست یا هر نوع دیگر یا تبانی به منظور محدودیت تجارت بین کشورها یا ملل خارجی، غیر قانونی اعلام می‌گردد".
41. Spencer Waller, 'Suing OPEC', 64 University of Pittsburgh Law Review (2002) p. 8.
42. Stephen A. Broome, 'Conflicting Obligations for Oil Exporting Nations?: Satisfying Membership Requirements of Both OPEC and the WTO', 38 George Washington International Law Review (2006) p. 410.
43. H.R. Con. Res. 276, 106th Cong. (2000).
44. Stephen A. Broome, 'Conflicting Obligations for Oil Exporting Nations?: Satisfying Membership Requirements of Both OPEC and (China—Raw Materials), WT/DS394/R, WT/DS395/R and WT/DS398/R, adopted 5 July 2011, para 7.276.
27. Ibid, para 7.305.
28. WTO Appellate Body Report, China—Measure Related to the Exportation of Various Raw Materials (China – Raw Materials), WT/DS394/AB/R, WT/DS395/AB/R and WT/DS398/AB/R, adopted 30 January 2012, para 328 and 331.
29. WTO Appellate Body Report, United States—Import Prohibition of Certain Shrimps and Shrimp Products (US – Shrimps), WT/DS58/AB/R, adopted 12 October 1998, para. 5.57.
30. Stephen A. Broome, 'Conflicting Obligations for Oil Exporting Nations?: Satisfying Membership Requirements of Both OPEC and the WTO', 38 George Washington International Law Review (2006), p. 424; Melaku Geboye Desta, 'The Organization of Petroleum Exporting Countries, the World Trade Organization and Regional Trade Agreements', 37(3) Journal of World Trade 523 (2003) p. 536; ¹ Djura Nincic, The Problem of Sovereignty in the Charter and in the Practice of the United States (The Hague: Nijhoff, 1970) pp. 268–69;
31. Stephen A. Broome, 'Conflicting Obligations for Oil Exporting Nations?: Satisfying Membership Requirements of Both OPEC and the WTO', 38 George Washington International Law Review (2006) p. 427.
32. Robert Mabro, OPEC and The Price of Oil (Oxford: Oxford Institute for Energy Studies, 1992) p. 16.
33. Steven Stoff, Carbonomics - How to Fix the Climate and Charge it to OPEC (Nantucket MA: Diamond, 2008) p. 75.
34. Monroe Leigh, 'International Association of Machinists and Aerospace Workers v. Organization of Petroleum Exporting Countries', 76(1) The American Journal of International Law (1982) p. 160; Lawrence Crocker, 'Sovereign Immunity and the Suit

سازمان جهانی تجارت هستند و بقیه عضو سازمان جهانی تجارت می‌باشند.

56. <http://www.gecf.org/events/7th-ministerial-meeting-of-the-gas-exporting-countries-forum>

57. <http://www.gecf.org/about/mission-objectives.aspx>

58. Erin Dyer et al 'Liquified natural gas' in Oil and Gas: A Practical handbook, Geoffrey Picton-Turbervill, (Globe Law and Buisniess, 2009) p. 121.

59. <http://www.gecf.org/events/10th-ministerial-meeting-of-the-gas-exporting-countries-forum>

60. <http://www.gecf.org/events/11th-ministerial-meeting-of-the-gas-exporting-countries-forum>

61. <http://www.gecf.org/events/12th-ministerial-meeting-of-the-gas-exporting-countries-forum>

62. <http://www.gecf.org/about/mission-objectives.aspx>

63. <http://www.president.ir/fa/90594>

منابع

A.L.P. Burdett (ed.), OPEC: Origins & Strategy, 1947–1973 (Slough: Archive Editions, 2004).

Alan O. Sykes, 'Comparative Advantage and the Normative Economics of International Trade Policy', 1 Journal of International Economic Law (1998).

Albert L. Danielsen, The Evolution of OPEC (New York: Harcourt Brace Jovanovich, 1982).

Andreas F. Lowenfeld, International Economic Law (Oxford University Press, 2003).

Barry Naughton, The Chinese Economy—Transition and Growth (Cambridge MA: The MIT Press, 2007).

Daniel Yergin, The Prize. The Epic Quest for Oil, Money & Power (New York: Free Press, 1991)

Daniel Yergin, The Quest. Energy Security and the Remaking of the Modern World (New York: The Penguin Press, 2011).

Dankwart A. Rustow and John F. Mugno, OPEC: Success and Prospects (New York: New York University Press, 1976).

Djura Nincic, The Problem of Sovereignty in the Charter and in the Practice of the United States (The Hague: Nijhoff, 1970).

the WTO', 38 George Washington International Law Review (2006) p. 411.

45. Office of Senator Frank R. Lautenberg, Busting Up the Cartel: The WTO Case Against OPEC (2004), available at <http://lautenberg.senate.gov/documents/foreign/OPEC%20Memo.pdf>.

46. Stephen A. Broome, 'Conflicting Obligations for Oil Exporting Nations?: Satisfying Membership Requirements of Both OPEC and the WTO', 38 George Washington International Law Review (2006) p. 412; Tim Carey, 'Cartel Price Controls vs. Free Trade: A Study of Proposals to Challenge OPEC's Influence in the Oil Market Through WTO Dispute Settlement', 24(4) American University International Law Review (2009) pp. 795–96.

47. OPEC Accountability Act, S. 2976, 110th Cong. (2008).

۴۸. شباهت‌هایی در این واقعیت وجود دارد که این قانون از جمله دفتر نمایندگی تجاری ایالات متحده را ملزم می‌سازد تا ابتدا مشورت‌هایی را با کشورهای که هم عضو اوپک هستند و هم عضو سازمان جهانی تجارت انجام دهد و در صورتی که مشورت‌ها شکست خورد آنگاه دفتر نمایندگی باید از سازمان جهانی تجارت درخواست نماید تا هیأت رسیدگی به اختلاف تشکیل دهد.

49. <https://defazio.house.gov/media-center/press-releases/defazio-urges-president-to-stand-up-to-opec-price-gouging>.

50. Gas Exporting Countries Forum (GECF).

51. 2015 Key World Energy Statistics, International Energy agency publication, p. 28.

52. <http://www.carbonbrief.org/whats-the-difference-between-natural-gas-liquid-natural-gas-shale-gas-shale-oil-and-methane-an-oil-and-gas-glossary>

53. 2015 Key World Energy Statistics, International Energy agency publication, p. 13.

54. Erin Dyer et al 'Liquified natural gas' in Oil and Gas: A Practical handbook, Geoffrey Picton-Turbervill, (Globe Law and Buisniess, 2009), p. 114.

۵۵. در حال حاضر کشورهای عمان، عراق، پرو و هلند به اعضای ناظر مجمع پذیرفته شده اند. شایان ذکر است که از مجموع اعضای دائم و ناظر مجمع، فقط ایران و عراق اعضای ناظر

- Mitsu Matsushita et al., *The World Trade Organization: Law, Practice and Policy* (3rd Edition, Oxford University Press, 2015).
- Ragaei El Mallakh (ed.), *OPEC: Twenty Years and Beyond* (Boulder: Westview Press, 1982).
- Robert Mabro, *OPEC and The Price of Oil* (Oxford: Oxford Institute for Energy Studies, 1992).
- Steven Stoff, *Carbonomics - How to Fix the Climate and Charge it to OPEC* (Nantucket MA: Diamond, 2008).
- Yulia Selivanova, *Energy Dual Pricing in WTO Law: Analysis and Prospect in the Context of Russia's Accession to the WTO* (London: Cameron May, 2008).
- Erin Dyer et al 'Liquified natural gas' in *Oil and Gas: A Practical Handbook*, Geoffrey Picton-Turbervill, (Globe Law and Buisniess, 2009).
- Gavin Brown (ed.), *Opec and The World Energy Market: A Comprehensive Reference Guide*, 2nd ed. (Essex: Longman, 1993).
- Ian Seymour, *OPEC: Instrument of Change* (New York: St. Martin's Press, 1981).
- John H. Jackson, William J. Davey and Alan O. Sykes, *Legal Problems of International Economic Relations*, 5th ed. (Thomson West, 2008).
- John Mo *International Commercial Law*, (4th Edition, Lexis Nexis, 2009).

